

بازخورد پایانی

نمایش مهارت‌های معلمی معلم!

بهمن قره‌داغی

پژوهشگر، مدرس و مؤلف برنامه‌ی ارزشیابی کیفی - توصیفی



بازخورد چیست؟

«بازخورد» حلقه‌ی پیوند محکم و ماندگار بین ارزشیابی و یادگیری است. هر کدام از متخصصان آگاه به موضوع، با در نظر داشتن زاویه‌ی نگاه خاص تعریفی خاص نیز از آن دارد. نان استال و گیس براساس نتایج پژوهش‌های خود، بازخورد توصیفی را چنین تقسیم‌بندی کرده‌اند: الف) مرتبط با پیشرفت؛ ب) مرتبط با اصلاح و بهبود.

از این نگاه، بازخوردهای مرتبط با اصلاح و راهبردها و روش‌هایی که باعث رفع نواقص و بهبود عملکرد می‌شوند، گروه هدف به حساب می‌آیند.

در اینجا و در تعریف کلی و ساده، بازخورد عبارت است از «بازگشت دادن» نتیجه‌ی عملکردهای دانش‌آموز به دانش‌آموز توسط محیط (معلم - فراگیرندگان و خود فراگیرنده) و یا ساده‌تر، یعنی همان فرایندی که یادگیرنده را از چگونگی یادگیری خود آگاه می‌سازد و او را در اصلاح و بهبود رفتارش یاری می‌رساند.

انواع بازخورد

الف) بازخورد فرایندی (کلاسی):

بازخورد فرایندی همان بازخوردهای توصیفی شناختی و فراشناختی هستند که معلم به‌منظور بهبود روش‌ها و نحوه‌ی یاددهی و آگاه شدن دانش‌آموز از قوت‌ها

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی تربیتی نوعی ارزشیابی فرایندمحور است. هدف این است که دانش‌آموز یا یادگیرنده آموزه‌هایی را یاد بگیرد و به مراتبی از شایستگی‌ها برسد که در زندگی‌اش مؤثر باشد. در ارزشیابی کیفی، به‌طور نظام‌داری شواهد دستیابی یادگیرنده به نتایج یادگیری جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. این عمل به‌منظور قضاوت و ارائه‌ی بازخورد برای اصلاح و هدایت عملکرد در طول سال یا دوره‌ی تحصیلی^۱ انجام می‌شود.

پس لازم است به نقش «بازخورد پایانی» با دقت و وسواس بیشتری بپردازیم، به‌ویژه اینکه نباید از خاطر دور داشت که در هر نظام آموزشی، «بازخورد» فرصتی ایجاد می‌کند تا آن نظام، با تکیه بر داده‌های بازخورد، بتواند نسبت به اصلاح، تقویت و توسعه‌ی خود اقدام بایسته را به انجام برساند یا بتواند از چگونگی عملکرد خود آگاه شود یا به کمک آن، اجزا و عناصر خود را بازبینی، بازمهندسی و بازآفرینی کند.

با عنایت به اینکه ارزشیابی کیفی - توصیفی یکی از اشکال ارزشیابی فرایندمحور است، در این شکل، بازخورد به‌عنوان یک مفهوم زیر بنایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اگر یکی از هدف‌های فرایند نظام آموزشی را ایجاد تغییر در ساخت شناختی و فرایندهای ذهنی یادگیرندگان بدانیم، بدان‌گونه که دانش‌آموز بتواند آنچه را در یک موقعیت فراگرفته، در موقعیت متفاوت دیگری نیز به کار گیرد، یا به‌طور کلی بتواند آموخته‌های خود را در زندگی و در عمل نشان دهد، این خواسته ممکن نمی‌شود، مگر اینکه او در فرایند آموزش و در موقعیت‌های متناسب قرار گیرد و به‌صورت پیوسته و هدفمند، بازخوردهای دقیق، جامع و کاملی دریافت کند تا بتواند به‌خوبی از روند تلاش، پیشرفت و موفقیت‌های خود آگاه شود و در مهندسی جریان یادگیری، جایگاه خود را به‌خوبی درک کند و فعالیت‌های خود را براساس نقش مؤثری که در سرنوشت خود ایفا می‌کند، مدیریت کند.

بنابراین، از «بازخورد» می‌توان به‌عنوان مغناطیس توجه و ارتباط معلم با دانش‌آموز و دیگر ذی‌نفعان نام برد، چراکه اگر این خاصیت ویژه را، به هر دلیلی، از شغل و رسالت معلمی جدا کنیم، به‌معنای آن خواهد بود که توان جذب و نگهداشت مؤثر یادگیرنده و خاصیت توان تغییر رفتار او را از معلم گرفته‌ایم؛ درست مثل یک قطعه آهن‌ریا که قادر است فلزی دوازده برابر وزن خود را جذب و از زمین بلند کند، خاصیت مغناطیسی‌اش را از دست بدهد و در این صورت آهن‌ریا قادر به بلند کردن حتی پرکاهی هم نخواهد بود.



به عبارت دیگر، معلم در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به‌عنوان کسی که وظیفه‌ی اصلی او آموزش است، وظیفه‌ی پاسخ‌گویی را نیز دارد؛ به این معنا که معلم باید نسبت به آنچه به‌عنوان مسئولیت و وظیفه‌ی شغلی پذیرفته است، متعهد باشد و به‌گاه لازم و بایسته در جهت دفاع از تلاش‌ها و مسئولیت‌هایی که به انجام رسانیده است، شواهد و دلایل مستند و مستدل ارائه کند. لذا وقتی با این پرسش روبه‌رو می‌شویم که چه کسانی و چرا مخاطب این بازخورد هستند، مخاطبانی چون دانش‌آموز، والدین، مدیر و معلم سال بعد در ذهن مجسم می‌شوند که در ادامه به‌شکل کوتاه به نقش، وجود و اهمیت آن‌ها به‌عنوان مخاطبان بازخورد پایانی اشاره می‌شود.

الف) دانش‌آموز

واضح است که بازخورد پایانی سبب می‌شود دانش‌آموز به‌عنوان مخاطب اصلی بازخورد پایانی، نسبت به موقعیت یادگیری خود آگاه شود. براین اساس، لازم است و حتی اهمیت دارد که او از عملکرد خود، در بازه‌های زمانی خاصی که یا معلم تشخیص می‌دهد یا قانون معین می‌کند نیز مطلع شود. بنابراین، در نگارش توصیف عملکرد دانش‌آموز، در هر ماده‌ی درسی، سطح فهم مخاطب باید در نظر گرفته شود.

ب) والدین

همواره آنچه مدنظر بوده و هست، این است که نقش والدین در ارزشیابی کیفی - توصیفی همیاری و همراهی معلم است، تداوم این همیاری نیازمند آگاهی والدین از وضعیت عملکرد دانش‌آموز است که معلم با کمک بازخورد توصیفی به‌شکل فرایندی و پایانی، آگاهی لازم را به آن‌ها ارائه می‌کند. بدین معنا که معلم، به‌شکل فرایندی، به والدین، متناسب با شرایط و موقعیت‌های شغلی و دانشی آن‌ها، بازخورد قابل‌فهم ارائه می‌کند.

و ضعف‌های یادگیری مطالب و مباحث دروس به دانش‌آموز می‌دهد. دانش‌آموز با استفاده از این بازخوردهای پیوسته، هدفمند، متنوع، توصیفی، ساده و قابل‌فهم پی می‌برد در چه وضعیتی قرار دارد و چه فعالیت‌هایی باید انجام دهد.

ب) بازخورد پایانی

منظور از «بازخورد پایانی» نیز انعکاس، ارائه یا عرضه‌ی رتبه و توصیفی است که سطحی از دستیابی به اهداف را نشان می‌دهد، یا نظر و واکنش معلم نسبت به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز است که در قالب گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی (کارنامه) ارائه می‌شود.

در دوره‌ی ابتدایی (پایه‌های اول تا ششم)، معلم وظیفه دارد طبق ماده‌ی ۳ آیین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی - تربیتی دوره‌ی ابتدایی، با عنایت به وظیفه‌ی پاسخ‌گویی، در دو یا سه نوبت از سال تحصیلی (نوبت اول مهرماه تا پایان دی و نوبت دوم مهرماه تا خرداد ماه و نوبت شهریور هم لغایت ۱۵ شهریور)، با استفاده از شواهد سودمند، معتبر و منصفانه‌ی جمع‌آوری شده در پوشه‌ی کار و سایر اطلاعات و مستندات، برای ارائه به ذی‌نفعان (والدین، دانش‌آموز و مدیریت مدرسه) بازخورد پایانی ارائه کند.

مخاطب بازخورد پایانی کیست؟

در ارزشیابی کیفی - توصیفی آگاهانه تلاش می‌شود در فرایند ارزشیابی، زمینه‌ی مشارکت فعال دانش‌آموز و والدین نیز فراهم شود. بی‌تردید، این مشارکت ابزارها و سازوکارهای مشخص و معینی نیاز دارد و یکی از آن‌ها بازخورد پایانی است که در قالب گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی (کارنامه) ارائه می‌شود. تهیه و تکمیل ابزار بازخورد پایانی، به‌عنوان یکی از وظایف معلم، به‌واقع بازتاباننده‌ی تلاش آگاهانه‌ای است که در سایه‌ی جمع‌آوری اطلاعات و شواهدی که با ابزارهای متنوع «پایا» و «روا» صورت می‌گیرند، اتفاق می‌افتد.

این بازخوردها توصیفی خواهند بود و ضمن تحلیل پیشرفت‌ها و ضعف‌های هر دانش‌آموز، سبب خواهند شد والدین و دانش‌آموز بفهمند برای پیشرفت بهتر و بیشتر، گام‌های بعدی آموزش و یادگیری کدام‌ها هستند. لذا معلم، چنانکه اشاره شد، طبق ماده‌ی سه‌ی آیین‌نامه‌ی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، وظیفه دارد در دو یا سه نوبت از سال بازخورد پایانی (در قالب نمونه برگ «الف» سیستم کار توصیفی) به والدین ارائه کند. در این شرایط، معلم با ترکیب و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده، در فرایند ارزشیابی که به تدریج در پوشه‌ی کار گردآوری کرده است، گزارش پیشرفت تحصیلی - تربیتی خود را، علاوه بر مقیاس رتبه‌ای، به شکل توصیف عملکرد می‌آورد. ضمن اینکه علاوه بر تبیین و توصیف وضعیت عملکرد دانش‌آموز، در بخش درسی، به ابعاد غیرشناختی دانش‌آموز در قالب شایستگی‌های عمومی نیز باید اشاره کند.

ج) سایرین

مخاطب بازخورد پایانی، علاوه بر دانش‌آموز و والدین، کسان دیگری نیز خواهند بود. از جمله‌ی آن‌ها مدیر واحد آموزشی است که برای ثبت و ضبط سوابق پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز و پاسخ‌گویی به افراد بالادستی، به این بازخورد پایانی نیاز دارد. در برنامه ارزشیابی کیفی - توصیفی، مدیر را حامی و هدایت‌کننده‌ی می‌شناسیم که با نظارت توانمندساز، به تسهیل یادگیری کمک درخوری می‌کند. از دیگر اعضای گروه، اعضای شورای مدرسه برای تصمیم‌گیری، معلم سال بعد دانش‌آموز برای درک درست وضعیت یادگیری دانش‌آموز در پایه‌ی تحصیلی قبلی و اجرای آموزش‌های ترمیمی و تکلیف‌های تمرینی، و پژوهشگرانی که با مجوز وارد مدارس می‌شوند، می‌توان نام برد. بنابراین، در توصیف عملکرد، آنچه معلم باید مدنظر داشته باشد، تعیین و تبیین سطحی از شایستگی دانش‌آموز در هر ماده‌ی درسی است که انتظار است معماری واژگان و جملات او بازتاب آن سطح باشد.

ویژگی‌های توصیف عملکرد در بازخورد پایانی (فرم الف)

بازخورد پایانی زمانی می‌تواند کارآمد و مؤثر باشد که اطلاعاتی به شکل توصیفی در اختیار دانش‌آموز قرار دهد. خود توصیف کردن فعالیتی بسیار ظریف و حساس است. دانش‌آموز با دریافت توصیف‌های معلم، از جایگاه عملکرد خود در رسیدن به هدف‌های کلی آموزشی هر کدام از مواد درسی و همچنین

ماهیت و کمیت فاصله‌ی بین عملکرد جاری با وضعیت مطلوب (معیار) خود آگاه می‌شود. چنانچه توصیف معلم طوری باشد که دانش‌آموز نتواند از آن برای تشخیص فاصله‌ها و کاهش آن‌ها استفاده کند و یا فرصت‌هایی را برای جبران ضعف‌ها و دستیابی به خود نظم‌دهی و هدایت‌گری فراهم نکند، توصیف معنای خود را از دست خواهد داد. برای اینکه بازخورد توصیفی معلم قابل استفاده باشد، باید ویژگی‌هایی داشته باشد. لذا در هر توصیف عملکردی (فرم الف) انتظار است معلم ویژگی‌های زیر را مدنظر قرار دهد:

è باید زنده و آموزنده باشد: یعنی روح و جان و احساس داشته باشد. همچنین بتواند در خواننده نفوذ کند و با او ارتباط معنی‌دار برقرار کند. لذا باید دانست که معماری جملات و انتخاب و چینش کلمات هر توصیف عملکردی، اگر تکلیفی و ماشینی باشد، فاقد روح و جان و احساس خواهد بود. در نتیجه، نمی‌تواند و نخواهد توانست با مخاطب خود ارتباط معنادار برقرار کند. در نتیجه، کلامی بی‌تأثیر خواهد بود که جز هزینه‌ی زمانی و روانی، چیز دیگری در پی نخواهد داشت.

è در توصیف عملکرد دانش‌آموز، معلم باید آگاهانه مهم‌ترین نکات هر ماده‌ی درسی را (معطوف به هدف‌های یادگیری)، به استناد مستندات فرایندی، به صورت جمع‌آوری و سازمان‌دهی شده ارائه کند.

è مثبت باشد؛ یعنی معلم در توصیف عملکرد دانش‌آموز از عبارتهایی مثبت و سازنده که به دانش‌آموز اعتمادبه‌نفس می‌بخشد و خواندن آن باعث ایجاد انگیزه‌ی درونی در دانش‌آموز می‌شود استفاده کند.

è هر توصیف عملکرد دانش‌آموز باید توصیفی باشد، یعنی به‌طور کلی قابلیت‌ها، توانایی‌ها و قوت‌های دانش‌آموز را آینه‌وار بنمایاند.

è توصیفی باشد؛ یعنی ضعف‌های یادگیری دانش‌آموز را با احتیاط لازم و به‌گونه‌ای که در او ایجاد ناامیدی و یاس نکند، آورده باشد.

è از بیان عبارتهای معطوف به شخصیت (برای مثال صفاتی همچون زودرنج، مضطرب، پرحرف، درون‌گرا و برون‌گرا) پرهیز کند.

è توصیه‌هایی داشته باشد؛ یعنی برای توسعه، بهبود یا

باز خورد عبارت است از «بازگشت دادن» نتیجه‌ی عملکردهای دانش آموز به دانش آموز توسط محیط (معلم - فراگیرندگان و خود فراگیرنده) و یا ساده‌تر، یعنی همان فرایندی که یادگیرنده را از چگونگی یادگیری خود آگاه می‌سازد و او را در اصلاح و بهبود رفتارش یاری می‌رساند

اصلاح یا تقویت یادگیری دانش آموز توصیه‌های لازم و رهنمودهای کاربردی ارائه دهد.

از آنجا که هدف رشد یا تحول این است که فرد از کنترل بیرونی خارج شود و از دیگر سامان‌دهی به خود سامان‌دهی تغییر کند؛ لذا در توصیه‌ها، **موضوع مهم خودنظم‌دهی برای پرورش خودکارآمدی** باید مدنظر معلم باشد. منظور از خودنظم‌دهی یعنی توانایی اندیشیدن و حل کردن مسائل بدون کمک دیگران. به‌طور کلی، خودنظم‌دهی به کنترل فرد بر فرایندهای شناختی‌اش (تفکر و حافظه و ...) اشاره دارد.

معلم باید در توصیه‌ها سطح **توانایی و تحول** هر دانش آموز را در نظر داشته باشد. یعنی آنچه می‌نویسد باید قابل درک و دریافت باشد.

توصیه‌ها باید **سودمند** باشند و دانش‌آموزان را به این آگاه سازند که چه فعالیتی را انجام دهند تا انتظارات آموزشی به‌خوبی تحقق یابند.

ع جمله‌بندی هر توصیف عملکرد دانش آموز باید **ساده، روان و قابل درک** (متناسب با خصوصیات روان‌شناختی و سن دانش آموز) باشد؛ یعنی در توصیف عملکرد دانش آموز از مفاهیم و واژه‌هایی استفاده شوند که دانش آموز آن‌ها را می‌فهمد. یعنی چنانکه اشاره شد، مقدار و محتوای بازخورد باید با سطح تحول و توانایی دانش آموز مناسب و متناسب باشد.

ع گرچه بازخورد پایانی نیز باشد معلم باید **کمترین عبارتهای ارزشیابی** (خوب، خیلی خوب، در حد انتظار، بسیار عالی و ضعیف) را به کار ببرد.

ع ضمن رعایت «**اقتصاد کلام**» باید اصول نگارشی و املا صحیح کلمات نیز رعایت شود.

ع چنانچه معلم توصیف خود را به شکل دست‌نویس می‌نویسد، باید **بسیار خوش خط و خوانا** نوشته شود.

پیش‌نیازهای اصلی بازخورد پایانی

توصیف عملکرد در بازخورد پایانی کار ساده‌ای نیست، به این معنی که علاوه بر تخصص و مهارت معلمی، به برخورداری از سطحی از توان نگارشی نیز نیاز دارد. در زیر پیش‌نیازهای اصلی بازخورد پایانی ارائه شده‌اند؛ انتظار است هر معلمی پیش از نگارش توصیف عملکرد دانش آموز از خود بپرسد:

ع آیا به اهداف و نشانه‌های یادگیری ماده‌های درس اشراف کامل دارم؟^۳

ع آیا مراحل رسیدن به هر هدف را به‌خوبی می‌شناسم؟

ع آیا ویژگی‌های فردی هر دانش آموز را می‌شناسم؟

ع آیا پوشه‌ی کار و سایر مستندات هر دانش آموز را که در فرایند آموزش و به‌منظور نشان دادن روند پیشرفت تحصیلی دانش آموز، به‌صورت هدفمند جمع‌آوری، انتخاب و سازمان‌دهی شده است، تجزیه و تحلیل کرده‌ام و تفسیر درستی از پیشرفت تحصیلی هر کدام از دانش‌آموزانم دارم؟

ع آیا می‌توانم به‌گونه‌ای توصیف عملکرد دانش آموز را بنویسم که سلامت روانی او به مخاطره نیفتد؟

ع آیا می‌توانم به‌گونه‌ای توصیف عملکرد دانش آموز را بنویسم که خودکارآمدی و کنترل بر یادگیری را در او تقویت کنم؟
ع آیا به اصول نگارشی و املا صحیح کلمات آشنایی کامل دارم؟ (لذا قبل از ارائه به ذینفعان، توصیف‌های هر ماده‌ی درسی را ویرایش می‌کنم.)

ع آیا می‌دانم که مخاطب اصلی توصیف عملکرد هر دانش آموز، علاوه بر دانش آموز، والدین هستند؟ لذا با این پیش‌فرض که والدین نقش همراه دانش آموز را در فرایند یاددهی - یادگیری بر عهده دارند؛ پس باید ضمن تحلیل پیشرفت‌ها و ضعف‌های دانش آموز، زمینه‌ی پیشرفت او را در رهنمودها و توصیه‌هایم فراهم کنم.

* آیا از مصادیق مقیاس‌های رتبه‌ای (سطح دستیابی به اهداف) خیلی خوب، خوب، قابل قبول، نیاز به تلاش و آموزش بیشتر و نیاز به تلاش و آموزش مجدد (به شرح زیر) آگاهی کامل دارم؟

* خیلی خوب:

در صورتی که عملکردهای دانش‌آموزی در هر درس، براساس اهداف و انتظارات آن درس و اطلاعات حاصل از منابع و ابزارهایی که در سنجش و ارزشیابی او در آن درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده‌ی دستیابی به هدف ماده‌ی درسی با حداقل نقص و تسلط کامل وی بر فرایند و نتیجه‌ی یادگیری خود و توانایی به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های جدید و غیر تکراری باشد، رتبه (سطح دستیابی) خیلی خوب تعلق می‌گیرد.